در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۷۸
اجزاء

جلسه 38

بسم الله الرّحمن الرّحيم
الحمدلله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مطالب گذشته

فرمایش مرحوم محقق اصفهانی(ره) که فرمایش مهم و محکم و متینی بود را عرض کردیم که خلاصه‌اش این شد که مرحوم اصفهانی(ره) فرموده‌اند: اینکه بگوییم: اصالت الطهاره بر ادله اشتراط حکومت دارد، این حکومت به معنای شرح و تفسیر نیست، یعنی اصاله الطهاره کلمه «طهور» در «لاصلاة إلا بطهورٍ» را شرح نمی‌کند و نمی‌گوید که: این کلمه «طهور» اعم از طهور واقعی و ظاهری است، بلکه اصاله الطهاره یک طهارت تنزیلی و تعبدی را ایجاد می‌کند.

نکته مهم این است که ایشان فرموده‌اند: اگر از ما بپرسند که کدام طهارت شرطیت برای صلاة دارد، در مقام شرطیت همان طهارت واقعیه را بیان کرده و می‌گوییم: آنچه را که شارع در شریعت به عنوان شرط برای نماز قرار داده، همان طهارت واقعیه است، لکن اصاله الطهاره یک طهارتی را به عنوان بدل از آن طهارت واقعیه قرار می‌دهد.

اصاله الطهاره یک طهارتی را که به تعبیر ایشان طهارت عنوانی و ظاهری است بیان می‌کند و این طهارت عنوانی را بدل از طهارت واقعیه قرار می‌دهد. حکومت هم به این معناست که دلیل حاکم یک موضوع تعبدی و تنزیلی را ایجاد می‌کند، و لذا فرموده‌اند که: آن حکومت به معنای شرح و تفسیر، یک تعمیم واقعی را ایجاد می‌کند، اما حکومت به این معنا، یک تعمیم عنوانی ایجاد می‌کند و نه یک تعمیم واقعی.

نقد و بررسی کلام محقق اصفهانی(ره)

بعضی از بزرگان در مقام اشکال به مرحوم اصفهانی(ره) فرموده‌اند: با این بیان شما جواب مرحوم نائینی(ره) را نداده‌اید، مرحوم نائینی(ره) فرموده: این حکومت یک حکومت ظاهریه است و حکومت ظاهریه معنایش این است که مادامی که کشف خلاف نشود، این حکومت موجود است، اما زمانی که کشف خلاف شد، این حکومت از بین می‌رود و نتیجه از بین رفتن حکومت این می‌شود که نماز واجد شرط و طهارت نبوده است، و لذا نماز بدون شرط محقق شده و در نتیجه إجزایی در کار نیست.

مرحوم نائینی(ره) به این نتیجه رسیده‌اند که این حکومت، اگر حکومت واقعیه باشد، إجزاء در کار است، اما حال که این حکومت ظاهریه است و حکومت ظاهریه هم یعنی مادامی که کشف خلاف نشود، لذا اگر کشف خلاف شد، دیگر إجزایی در کار نیست.

پس خلاصه اشکال این شد که مرحوم اصفهانی(ره) این بیان مرحوم نائینی(ره) را رد نکرده، بلکه به جای طهارت و حکومت و تعمیم ظاهری فرموده تعمیم عنوانی، اما تعمیم عنوانی تا مادامی وجود دارد که این عنوان باشد، اما اگر این عنوان و ظاهر از بین رفت، تعمیم هم از بین می‌رود، و لذا در اینجا دیگر إجزاء در کار نیست.

دفاع استاد محترم از کلام مرحوم اصفهانی(ره)

این اشکالی است که بعضی بیان کرده‌اند، در حالی که به نظر می‌رسد که این اشکال وارد نیست، با توجه به توضیحی که برای بیان مرحوم اصفهانی(ره) عرض کردیم، ایشان در اینجا ادعای بدلیت دارد و ادعای بدلیت به این معناست که طهارت واقعیه شرطیت برای نماز دارد، اما اصاله الطهاره یک طهارت بدلی و عنوانی را بدل از طهارت واقعیه قرار می‌دهد و اگر این بدل از آن واقع شود، دیگر اصلاً این مسئله مطرح نمی‌شود که بگوییم: در اینجا عمل ما بدون شرط بوده است.

به عبارت دیگر طبق بیان مرحوم اصفهانی(ره) اصلاً کشف خلاف معنا ندارد، چون ایشان فرموده: با اصاله الطهاره یک طهارت عنوانی، بدل از طهارت واقعیه قرار می‌گیرد و همان طور که طهارت واقعیه شرطیت برای نماز دارد، طهارت عنوانی هم در مقام شرطیت بدل آن قرار می‌گیرد.

بنابراین مرحوم اصفهانی(ره) خواسته به مرحوم نائینی(ره) بفرماید که: اصلاً اینکه گفته‌اید کشف خلاف می‌شود، این کشف خلاف دیگر معنا ندارد، کشف خلاف یعنی بعداً برای ما روشن شود که عمل ما واجد شرط نبوده است، قبلاً ظاهراً خیال می‌کردیم که دارای شرط است، اما بعداً روشن می‌شود که واجد شرط نبوده است، اما در اینجا طبق این بیان عمل ما همیشه واجد شرط است و اصلاً کشف خلاف معنا ندارد.

اشکالات استاد محترم بر مرحوم اصفهانی(ره)

اشکال اول: بنابراین باید ببینیم آیا اشکال دیگری به مرحوم اصفهانی(ره) وارد است یا نه؟ به نظر می‌رسد که در ردّ فرمایش مرحوم اصفهانی(ره) باید بحث را روی بزنگاه اصلی فرمایش ایشان متمرکز کنیم که ادعای بدلیت کرده و فرموده‌اند: اصاله الطهاره یک طهارت عنوانی ایجاد می‌کند. بعد ادعای مهم ایشان این است که فرموده‌اند: این طهارت عنوانی بدل از طهارت واقعی قرار می‌گیرد، همه اشکالی که به ذهن می‌رسد همین جا است که این اشکال در کلمات نیست.

اشکال ما به مرحوم اصفهانی(ره) این است که به ایشان عرض می‌کنیم که تا اینجا که فرموده‌اید که: اصالت الطهاره یک طهارت عنوانی درست می‌کند صحیح است و دیگران هم فرموده‌اند که: اصاله الطهاره یک طهارت ظاهری را درست می‌کند، اما اینکه این طهارت عنوانی بدل از طهارت واقعیه است را چگونه اثبات می‌کنید؟ ایشان این مطلب را که طهارت عنوانی بدل از طهارت واقعیه است اثبات نفرموده و در کلام ایشان فقط به صرف یک ادعاست و تا حکومت را درست نکنیم، نمی‌توانیم بگوییم که: این در دلیل محکوم تصرف کرده است.

یک دلیل «لاصلاة إلا بطهور» داریم که مرحوم اصفهانی(ره) هم معترف است که مراد از «طهور» در آن، طهارت واقعیه است، حال اصاله الطهاره یا استصحاب طهارت هم طهارت ظاهری و عنوانی را درست می‌کند، اما اینکه این طهارت عنوانی بدل از طهارت واقعیه واقع می‌شود، در کلمات مرحوم محقق اصفهانی(ره) دلیلی بر این مدعا اقامه نشده است و این نیاز به دلیل دارد.

مثلا در بحث اوامر اضطراریه مشهور گفته‌اند که: تیمم عنوان بدل از وضو را دارد، اما برخی مثل مرحوم آقای بروجردی(قدس سره) فرموده‌اند: این بدلیت یعنی چه؟ اینکه بگوییم: این عمل بدل از آن عمل است، این تعبیر، تعبیر درستی نیست. البته ما این

کلام ایشان در آنجا را نپذیرفتیم و عرض کردیم که ظاهر ادله اضطراری مسئله بدلیت است.

در آنجا یک چنین مسئله‌ای مطرح بود، اما در اوامر ظاهریه هیچ فقیهی ادعا نکرده که امر ظاهری عنوان بدلیت از امر واقعی را دارد یا شرط ظاهری عنوان بدلیت از شرط واقعی را دارد. پس اولاً یک ادعایی کرده‌اید که طهارت عنوانی و ظاهری بدل از طهارت واقعیه است، اما بر آن دلیلی اقامه نکرده‌اید.

اشکال دوم: اشکال دوم این است که اصلاً این از باب حکومت خارج می‌شود، در باب اوامر اضطراریه که مشهور قائل به بدلیت شده و گفته‌اند: امر به تیمم بدل از امر به وضو هست، آیا هیچ فقیه و اصولی مسئله حکومت را مطرح کرده است؟ آیا کسی گفته که: دلیل تیمم بر دلیل وضو حکومت دارد؟

به مجرد اینکه موضوعی بدل از موضوع دیگر قرار بگیرد، در اینجا مسئله حکومت قابل قبول نیست و اصلاً نمی‌توان اسمش را حکومت گذاشت.

پس دو اشکال بر مرحوم محقق اصفهانی(ره) بیان کردی؛ یک اشکال این است که فرموده‌اید: طهارت عنوانی بدل از طهارت واقعیه است، در حالی که بر آن دلیلی اقامه نکرده‌اید. آن مقداری که اصاله الطهاره یا استصحاب طهارت دلالت دارد این است که حال که شک در طهارت دارید، بنا را بر طهارت بگذارید. بله اصاله الطهاره می‌گوید: عنواناً و ظاهراً طاهر هستید، اما اینکه بگوییم: طهارت عنوانی و ظاهری بدل از طهارت واقعیه است، این حرف به هیچ وجهی برای ما قابل قبول نیست و اصلاً چنین دلالتی در اصاله الطهاره یا استصحاب طهارت نیست.

پس اولاً بدلیتی که ادعا کرده‌اید بلاوجه است و ثانیاً اینکه حکومت نیست، بر فرض اینکه بدلیت را هم بپذیریم و بگوییم که: طهارت عنوانی بدل از طهارت واقعی است، اما این حکومت نیست، حکومت معنایش این است که دلیل حاکم، یک تصرفی در دلیل محکوم داشته باشد، حال آن که گفته‌اید: مراد از «طهور» در «لاصلاة إلا بطهور» طهور واقعی است و استصحاب یا اصاله الطهاره اصلاً نسبت به این طهور تصرفی ندارد و نمی‌گوید که: این طهور را باید عوض کرده و تعمیمش دهیم.

عرض کردیم که اگر بخواهیم به این حکومت بگوییم، باید بگوییم که: تمام ادله اضطراریه بر ادله واقعیه حکومت دارد، در حالی که کسی این حرف را نزده است. آیا می‌توانیم بگوییم که: دلیل تیمم بر دلیل وضو حکومت دارد؟ دلیل وضو می‌گوید: اگر اضطراری ندارید، باید با آب وضو بگیرید و دلیل تیمم می‌گوید: اگر اضطرار دارید، باید با خاک تیمم کنید، دو تکلیف است، منتهی این تکلیف دوم در طول تکلیف اول است و تکلیف دوم بعد از این است که قدرت بر تکلیف اول ندارید، اما هیچ وقت نمی‌گویید که: این تکلیف دوم بر تکلیف اول حکومت دارد.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) کسی که ادعای بدلیت می‌کند، باید دلیل بیاورد، ما هستیم و استصحاب طهارت، استصحاب طهارت چه اندازه دلالت دارد؟ استصحاب طهارت می‌گوید: اگر قبلاً یقین به طهارت داشتی و الآن شک در طهارت داری، به حسب ظاهر طاهر هستی، «أنت طاهر»، حال عنواناً یا ظاهراً که این مسلم است و در این هیچ بحثی نیست و استصحاب یا اصاله الطهاره این مقدار دلالت دارد، اما سؤال می‌کنیم که آیا استصحاب طهارت بگوید که: طهارت عنوانی بدل از طهارت واقعی است؟ یعنی اگر ایشان هم بگوید که: استصحاب می‌گوید که: این طهارت عنوانی بدل از طهارت واقعیه است، اما ما چنین چیزی را نمی‌فهمیم.

استصحاب این است که ظاهراً طاهر هستی، اما اینکه طهارت ظاهری جای طهارت واقعی بنشیند را دلالت ندارد، شما می‌گویید که: طهارت واقعیه شرط برای نماز است، حال اگر بخواهید طهارت ظاهری یا عنوانی را بدل آن قرار دهید، باید اینطور بگویید

که: طهارت ظاهری شرط برای نماز است، پس نتیجه این می‌شود که «لاصلاة إلا بطهور» اعم از طهارت واقعی و طهارت ظاهری می‌شود، یعنی از یک طرف بدلیت را قائلید و از طرف دیگر می‌گویید که: طهور یعنی طهور واقعی که اینها اصلاً قابل جمع نیست.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) می‌خواهیم ببینیم که آیا طهارت عنوانی هم می‌تواند بدل از طهارت واقعی و به عنوان شرط برای نماز باشد یا نه؟ ایشان این بدلیت را برای إجزاء درست کرده و خواسته بگوید: همانطور که اگر نماز را با طهارت واقعیه آوردید، اگر با طهارت عنوانی هم خواندید، باز نماز را آوردید. ایشان خواسته چنین مطلبی را اثبات کند و ما عرضمان در اشکال اول این است که این بدلیت را از کجا اثبات کردید؟
عبارت ایشان این است که «و إنّما نقول: بأن الطهارة العنوانية جعلت شرطا بدلا عن الطهارة الواقعية؛ لكونها ذات مصلحة بدلية»، این مصلحت بدلیت دارد، اما ایشان اصلاً دلیلی نیاورده است بر اینکه این دارای مصلحت بدلیت است، بلکه فرموده: طهارت عنوانی بدل است، چون مصلحت بدلیت دارد، مگر شما عالم به مسائل هستید؟ از کجا فرموده‌اید که این دارای مصلحت بدلیت است؟ لذا ایشان دلیلی برای بدلیت اقامه نفرموده‌اند.

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرین